

اعلام تعطیلی و اخراج کارگران

شرکتهای گلوکز شیرین و قند زاگرس اشنویه

کمیته هماهنگی برای کمک

چهارشنبه هشتم آبان ۱۳۸۷

گسترش سرمایه به پهنای همه ی مرزهای جهان، زندگی بخش وسیعی از مردم، به ویژه کارگران را همراه با خانواده های آنها در سرتاسر دنیا به ورطه ی نابودی کشانده است. در کنار تأثیر مخرب و ویرانگر سرمایه ، بحران های ساختاری این نظام، از جمله بحران اخیر، مزید بر علت شده و تأثیرات مخرب مضاعفی را بر شرایط کار و زندگی کارگران وتوده های مردم محروم و تحت ستم، به ویژه در کشورهای چون ایران، برجای گذاشته است. اگرچه صاحبان سرمایه اصرار دارند که این واقعیت ها را انکار کنند . مابه عینه می بینیم که بحران سرمایه داری هر روز وسعت بیشتری می یابد و خانواده های بیشتری را بی خانمان و از هستی ساقط میکند. به نظر میرسد که در این نظام هر چیزی در جهت عکس جریان معمول حرکت خود ، در حال حرکت است. برای مثال کار سرمایه را می آفریند و حال آنکه سرمایه کار را استثمار می کند. ماشین الات صنعتی که به دست همین کارگران ساخته شده اند کمیت و کیفیت تولید را با سرعت بسیار زیادی بالامیبرد درحالیکه به کارگران فقط گرسنگی می بخشد. همه این وارونگی در نظام سرمایه داری به نوبه خود تأثیراتش را بر شرایط کار و زندگی کارگران و تولید در کارخانه ها و شرکت های موجود در کشور، از جمله شرکت های مورد نظر این نوشته (گلوکز شیرین و قند زاگرس اشنویه) نیز میگذارد . تا آنجا که چندی قبل کارخانجات مزبور در اقدامی مشابه وبه بهانه ی بالا رفتن مواد اولیه و فروش ارزان محصولات ، تعدادی از کارگران را از کار بیکار کردند و در ادامه ی بحران ، شیفت شب را نیز به طور کامل تعطیل کردند و کارگران این شیفت را نیز بیکار نمودند وبه آنها وعده دادند که در صورت رونق بازار !!! باردیگر آنها را به سرکار هایشان برگردانند که این البته حرف پوچ و توخالی بیش نبود . این روند برای مدتی ادامه پیدا کرد تا آنجا که دوکارخانه مذکور به طور کلی اعلام تعطیلی کردند وبا کارگانشان تسویه حساب نمودند . وحالا این بحران قبل از همه دودش به چشم کارگران رفته است. چون این کارگران در حال حاضر بیکار هستند ودرآمدی ندارند و فقط به آنها وعده داده شده که با شروع به کار مجدد کارخانه بر سرکار هایشان بازگردند. مصداق بارز " وعده ی سرخرمن".

اما بشنویم صحبت های مدیر یکی از این کارخانه ها را. ما در شهر کوچکی مثل اشنویه اگر میخواستیم به تولید ادامه دهیم هر ماه حدود ۱۵ میلیون تومان ضرر می کردیم . چون نقدینگی ما ته کشیده بود و میبایست مواد اولیه را با پرداخت چک ، بالا تر از قیمت واقعی بخریم . و دران سوی قضیه ، برای پاس کردن به موقع چکها و بدهی هایمان می بایست محصولات خود را ارزانتر از ارزش واقعی آن به فروش می رساندیم که دیگر خرج و دخل با هم همخوانی نداشت . ایشان دلیل پیش آمدن این وضع را هم تحریم ایران و جلوگیری از ورود برخی کالاها به کشور و در عین حال واردات بی رویه شکر میدانند . وی در جواب به این سؤال که پس زندگی این همه کارگر چه می شود ؟ میگوید به

هرحال تا شروع مجدد کار در کارخانه، خودشان برای خودشان فکری نکنند. اما چون این کارگران تخصص پیدا کرده اند اگر کارخانه راه افتاد حتما آنها را بر سر کارهایشان برمی گردانیم. زیرا اگر کارگرهای دیگر را بیاوریم با توجه به اینکه سابقه و تخصصی ندارند هم تولید از نظر کمی و کیفی پایین می آید و هم وقت می خواهد تا اینها تخصص پیدا کنند که در این صورت سرمایه زیادی تلف میشود. معنای دیگر این حرف این است که هر وقت صاحبان سرمایه در راستای منافع خویش به کارگران نیاز داشته باشند تخصص و سابقه چیز مهمی می شود، ولی وقتی که سرمایه ی آنها مثلا به خطر می افتد این کارگران، با همه تخصص شان هستند که باید چرخ دنده های این تغییر و تحولات و محاسبات سودجویانه بشوند و بار مشکلات و کمبود را تحمل نمایند. آنان باید به سرعت از کار بیکار شوند و فکری به حال خودشان نکنند!!! واقعیت اینکه در جوامع سرمایه داری، بخصوص در کشورهایی مثل ایران، صاحبان سرمایه از پراکندگی و عدم انسجام طبقاتی ما نهایت بهره برداری را نموده و در واقع دیواری کوتاهتر از دیوار کارگر پیدا نکرده اند. چون در این قبیل جوامع، سرمایه دار هر جا که گیر می کند تلاش می کند تا کارگر و منافع او را قربانی نماید و از این طریق راه فراری برای خود پیدا کند. چون راه فرار سرمایه داران ظاهراً از کانال قربانی کردن کارگران میگذرد. پس کارگران: حالا که اخراج و بیکاری ما آسانترین راه برای صاحبان سرمایه، در رسیدن به خواست های سودجویانه ی و ضد کارگری آنان شده است، بیایید تا با گسترش آگاهی و تقویت همبستگی و اتحاد طبقاتی خویش، ضمن افشای این گونه فریبکاری ها و دغل بازی های رندانه و ریاکارانه، جلوی قدر قدرتی ها و یکه تازی های مثنی سرمایه دار معلوم و الحال را در برباد دادن هر چه بیشتر هستی و زندگی کارگران بگیریم و با قدرت، آنها را بر سر جای خویش بنشانیم.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری (منطقه غرب)

۸۷/۸/۶